

حذف "مثلث جیم" از خبرگان شکستی بزرگ برای اقتدار گرایان خواهد بود

محمد سهیمی

مقدمه

سالها پیش، در پایان سال ۱۳۷۸ و در اوج دوران اصلاحات آقای محمد خاتمی انتخابات مجلس ششم در حال نزدیک شدن بود. سال قبل از آن عوامل و آمران قتل‌های زنجیره‌ای که ماموران وزارت اطلاعات به رهبری آقای سعید امامی بودند را همه میشناختند. آقای اکبر گنجی، روزنامه نگار، فعال حقوق بشر و محقق، نقش مهمی در افشای حقایق پشت پرده آن جنایات داشتند، که البته هزینه آنرا نیز پرداختند. در آن زمان آقای اکبر هاشمی رفسنجانی هنوز یک شخصیت محافظه کار، اگرچه عملگرا، محسوب میشد. اکثریت عظیم قتل‌های زنجیره ای، که در حقیقت با قتل زنده یاد دکتر کاظم سامی در ۱۳۶۷ آغاز شد، در دوران ریاست جمهوری آقای رفسنجانی بوقوع پیوسته بود، که وزیر اطلاعات ایشان آقای علی فلاحیان نقش بزرگی در آنها داشت. سال‌ها پیش نگارنده خود مقاله بسیار مفصلی به زبان انگلیسی درباره قتل‌های زنجیره‌ای منتشر کرد که در اینجا میتوان آنرا در اینجا مطالعه کرد.

با نزدیک شدن انتخابات مجلس ششم، دستکم بخشی از اصلاح طلبان که بشدت با آقای رفسنجانی مخالف بودند، تصمیم داشتند که یا از انتخاب ایشان بعنوان نماینده مردم تهران جلوگیری کنند، و یا سعی کنند که با افشاگری درباره ایشان رأی ایشان را در انتخابات بشدت کاهش دهند، که خود شکست بزرگی برای محافظه کاران محسوب میشد. آقای گنجی دست بکار شد و با نوشتن مقالات متعدد، بخصوص مقاله معروف "عالیجناب سرخ پوش" به شدت به آقای رفسنجانی و کارنامه ایشان حمله نمود و از آن انتقاد کرد. آن مقالات انعکاس وسیعی در جامعه آنروز ایران، بخصوص تهران، داشتند، و با همکاری همه نیروهای طرفدار اصلاح طلبان به اعتبار آقای رفسنجانی لطمه زیادی وارد شد. نتیجه آن شد که در انتخابات رأی آقای رفسنجانی بسیار کم و نام ایشان در میان ۳۰ نفر اول، که بعنوان نمایندگان مردم تهران انتخاب شده بودند، وجود نداشت. بعد از کشمکش زیاد بین شورای نگهبان به رهبری آیت‌الله احمد جنتی، و وزارت کشور آقای خاتمی و معاون سیاسی-امنیتی آن آقای مصطفی تاجزاده (که نزدیک به هفت سال است که در زندان هستند)، شورای نگهبان با دست بردن در آرا آقای رفسنجانی را نفر بیستم تهران اعلام کرد. ولی آن افشاگری‌ها و این حقیقت که آقای رفسنجانی در حقیقت انتخاب نشده بودند ایشان را وادار به انصراف کرد.

آن کوشش آقای گنجی و اصلاح طلبان تجربه‌ای بود ذیقیمت که با نزدیک شدن انتخابات مجلس خبرگان در ۷ اسفند میتوان از آن بهره جست. هدف این مقاله بحث درباره این موضوع است.

این سه "آیت‌الله"

شورای نگهبان، که مامور نگهداری از قدرت اقتدار گرایان است، "صلاحیت" ۱۶۱ کاندیدای مجلس خبرگان را تائید کرده است. به توجه به اینکه مجلس خبرگان دارای ۸۸ عضو میباشد، اگر قرار باشد برای

هر حوزه انتخاباتی فقط دو نفر با هم رقابت کنند، باید دستکم ۱۷۶ کاندیدای "حائز شرایط" وجود داشته باشد. ولی شورای نگهبان قدرت با استفاده از نظارت استصوابی، که بر خلاف ادعای آیت‌الله علی خامنه‌ای، چیزی بجز پایمال کردن حق مردم، و یا حق الناس، نیست، حتی حاضر نیست این امر بدیهی را قبول کند. اکثریت عظیم کاندیداها، و همچنین نمایندگان کنونی مجلس خبرگان، کهنسال، از لحاظ سیاسی محافظه کار و بدون آشنایی با دنیای مدرن، و از لحاظ اجتماعی و فرهنگی مرتجع هستند. ولی احتمالاً هیچکدام به اندازه سه نفر زیر در میان آنها نقش ضدّ مردمی و منفی نداشته اند.

احمد جنّتی

تاریخ تولد رسمی آقای جنّتی ۳ اسفند ۱۳۰۵ میباشد، ولی گفته میشود که ایشان متولد ۱۳۰۰ میباشند. ایشان در روستائی در نزدیکی اصفهان متولد شدند. در حوزه اصفهان و سپس قوم طلبه بودند، و به تدریج بعنوان یک روحانی ترقی کردند، و اکنون آیت‌الله هستند و ظاهراً مجتهد. قبل از انقلاب از مخالفین شاه بودند که هم سه ماه زندانی شدند، و هم سه سال تبعید. ایشان از سال ۱۳۵۹ یکی از فقهای شورای نگهبان و از سال ۱۳۷۱ دبیر آن میباشند. ایشان همچنین عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی (نهادهی که در قانون اساسی خود جمهوری اسلامی نیز پیش بینی نشده است)، عضو تعداد زیادی از نهادهای انتصابی، و یکی از چهار امام جمعه "موقت" تهران هستند.

از چهار پسر ایشان آقای محمد حسین جنّتی از طرفداران سازمان مجاهدین بودند که به همراه همسر خود خانم فاطمه سروری در خرداد ۱۳۶۱ توسط سپاه کشته شدند. قبل از مرگ ایشان، آقای جنّتی برای پسر خود آرزوی مرگ نمود، و معروف است که گفته بودند اگر ایشان دستگیر و کشته شوند، ایشان ۴۰ روز روزه شکر خواهند گرفت. پسر دیگر ایشان آقای علی جنّتی وزیر ارشاد دولت آقای حسن روحانی میباشند. دو پسر دیگر ایشان، آقایان حسن و محمد جنّتی ظاهراً یکی نجّار و دیگری کارمند دولت میباشند.

کمتر شخصیتی در ایران به اندازه آقای جنّتی مخالف حاکمیت مردم بر سرنوشت خود بوده است. ایشان در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ رسماً از آقای احمدی‌نژاد حمایت کرد، و آقایان خاتمی، مهندس میر حسین موسوی، و رفسنجانی را متهم کرد که قصد براه انداختن "انقلاب مخملین" را دارند. سال بعد در یک سخنرانی ایشان ادعا کرد که آمریکا از طریق عربستان سعودی ۱ میلیارد دلار در اختیار رهبران جنبش سبز قرار داده، و قول داده است که اگر نظام سرنگون شود، ۵۰ میلیارد دلار دیگر نیز خواهد داد. این موضوع اعتراضات زیادی را بدنبال داشت، ولی آقای جنّتی هیچگاه "مدرک" خود را در اختیار مردم قرار نداد. ایشان خواهان اعدام رهبران جنبش سبز و همچنین طرفداران آن میباشند.

از دیگر "شاهکار"های ایشان "حیوان" خواندن پیروان ادیان دیگر در سال ۱۳۸۴ بود. ایشان در سال ۱۳۹۲ کارمندان دولت را "جیره خوار" و دانشجویان خانم مانتو پوش را "خراب" توصیف کرد.

محمد یزدی

آقای یزدی در سال ۱۳۱۰ در اصفهان متولد شد و در قم در مدرسه فیضیه به تحصیل فقهی پرداخت. ایشان رئیس دادگاه انقلاب اسلامی قم و رئیس دفتر آیت‌الله خمینی در آن شهر بودند. ایشان عضو مجلس خبرگان و رئیس کنونی آن هستند. در بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی در ۱۳۶۸ که ولایت فقیه را به ولایت مطلقه فقیه تبدیل کرد و اختیارات آنرا بطور وسیعی گسترش داد شرکت کرد. ده سال رئیس قوه قضائیه بود که کارنامه سیاهی از خود باقی گذاشت، بطوری که جانشین ایشان، آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی در آغاز ریاست خود گفت "ویرانه قضائی تحویل گرفته ام". او همچنین یکی از شش فقیه شورای نگهبان است، و دشمنی ایشان با اصلاح طلبان و دیگر نیروهای مردمی کاملاً شناخته شده می‌باشد. از آقای احمدی‌نژاد در انتخابات ۱۳۸۸ حمایت کرد. سمت دیگر ایشان ریاست جامعه مدرسین حوزه علمیه قم می‌باشد که نقش مهمی در حمله به روحانیون غیر حکومتی داشته است.

آقای عباس پالیزدار، که از طرفداران آقای احمدی‌نژاد بود، در دو سخنرانی بسیار جنجالی در ۱۳۸۷ در دانشگاه‌های همدان و شیراز درباره فساد ۵۰ نفر از سران جمهوری اسلامی سخن گفت، که یکی از آنها آیت‌الله یزدی بود. آقای پالیزدار شرح داد که چطور آقای یزدی کارخانه لاستیک سازی دنا، که ارزش آن دستکم در آن زمان ۶۰۰ میلیارد تومان بود، را به قیمت ۱۰ میلیارد تومان "خریداری" کردند، که آنرا هم نپرداختند.

محمد تقی مصباح یزدی

آقای مصباح یزدی، یا آنطور که در ایران به ایشان اشاره میشود، مصباح، متولد ۱۳۱۳ در یزد می‌باشد. وی در یزد، نجف، و قم درس حوزوی خواند. قبل از انقلاب در مدرسه حقانی تدریس میکرد، مدرسه ایکه اکثریت بزرگ وزرای اطلاعات ایران از آنجا آمده‌اند. مخالف زنده یاد دکتر علی شریعتی بود، و به همین دلیل از حقانی خارج شد، و به مدرسه "در راه حق" پیوست. در انقلاب ۱۳۵۷ شرکت نکرد، و معروف است که گفته بود "حاج آقا روح‌الله ماجراجو هستند"، و به همین دلیل آیت‌الله خمینی هیچگاه به ایشان سمتی نداد و ایشان را همیشه حجت السلام خطاب میکرد. ولی از بعد از قدرت گرفتن آقای خامنه‌ای بعنوان ولی فقیه ایشان هم قدرت گرفت، و موسسه‌ای به نام "موسسه علمی پژوهشی امام خمینی" تاسیس کرد که برای آن سالانه میلیاردها تومان بودجه دریافت می‌کند. ایشان دستیوس آقای خامنه‌ای، و تقاضا کننده آب دهان ایشان برای برکت بوده است. ایشان معتقد است که اطاعت از ولی فقیه مانند اطاعت از خداوند است، که به عقیده نگارنده کفر گویی است. آقای خامنه‌ای هم ایشان را "[آیت‌الله مرتضی] مطهری زمان" نامید که هیچ اساسی ندارد.

سرسخت‌ترین دشمن انتخابات آزاد، نیروهای اصلاح طلب و دمکراتیک، و نظام جمهوری در ایران کسی بجز مصباح نیست. ایشان اصلاح طلبان را "احیا کنندگان کفر ۲۵۰۰ سال پیش ایران" نامید. جبهه پایداری در مجلس پیروان ایشان هستند که گروهی بنیاد گرا می‌باشد. کاندیدای ایشان در انتخابات ۱۳۹۲ اول آقای کامران باقری لنکرانی، وزیر بهداشت کابینه اول آقای احمدی‌نژاد بود، که توسط شورای نگهبان قدرت رد شد، و بعد آقای سعید جلیلی، مذاکره کننده ارشد هسته‌ای در زمان آقای احمدی‌نژاد. ایشان حتی با آقای علی لاریجانی، رئیس کنونی مجلس نیز مخالف است. ایشان از آقای احمدی‌نژاد بطور قاطع حمایت

می‌کرد، ولی در دوره دوم ایشان، زمانی که آقای احمدی‌نژاد با آقای خامنه‌ای اختلاف پیدا کرد، ادعا کرد که آقای احمدی‌نژاد "ممکن است که سحر شده باشد".

مصباح تئورسین کاربرد خشونت در جامعه ایران برای تحمیل "حکومت اسلامی" بر مردم می‌باشد. او همیشه خواهان اعدام مردمی که ایشان آنها را مرتد میدانند بوده است، که البته از نظر ایشان مرتد کسی است که با نظرات ایشان مخالف است. هر بار در ایران تظاهراتی در مخالفت با اقتدار گرایان برپا شده است، ایشان اعلام کرد که آنها باید اعدام شوند. ایشان رأی مردم را "تزنین" حکومت میدانند، نه عامل مشروعیت بخشیدن بدان. ایشان اعلام کرد که دکتر هاشم آقا جری، استاد دانشگاه، باید به جرم توهین به پیامبر و امامان اعدام شود، چون دکتر آقا جری در یک سخنرانی در خرداد ۱۳۸۱ در همدان گفته بود مگر "مردم می‌موند هستند که از این یا آن تقلید کنند" و درباره پروتستان‌تیسیم اسلامی، دکتر شریعتی، و مسائل جوانان سخن گفته بود. بسیاری بر این باورند که اینگونه مواضع مصباح در اعدام مرحوم حبیب‌اله آشوری بخاطر کتاب "توحید آشوری" ایشان نقش داشته است. مرحوم احمد قابل در نامه ای که به آقای خامنه‌ای در اینبار نوشت به شدت از ایشان انتقاد کرد. مصباح به شدت مخالف آقای روحانی نیز هست، و بارها به ایشان حمله کرده است. برخی از تندروترین سرداران سپاه به ایشان نزدیک هستند.

پیشنهاد آقای اکبر گنجی درباره "مثلث جیم"

سه نفر بالا کاندیدای مجلس خبرگان هستند. این سه نفر را آقای اکبر گنجی، روزنامه نگار، فعال حقوق بشر، و محقق، "مثلث جیم" نامیده اند. ایشان در یک مقاله اخیر خود، یعنی مقاله "شکست جنتی و یزدی و مصباح، آزمون فیصله بخش خامنه‌ای" در ۱۷ بهمن ۱۳۹۴، پیشنهاد کرده‌اند که جامعه مدنی ایران به مردم در ایران که قصد رأی دادن در انتخابات هفتم اسفند را دارند پیشنهاد کنند که به هیچ عنوان به "مثلث جیم" رأی ندهند. اگر چنین شود، اقتدار گرایان دو گزینه بیشتر نخواهند داشت:

یا شکست را قبول میکنند، که در نتیجه "مثلث جیم" از مجلس خبرگان حذف خواهد شد،

و یا دولت آقای روحانی و وزارت کشور فشار را تحت فشار قرار خواهند داد تا بخاطر "مصلحت نظام" در آرا دست برده تا این سه نفر به مجلس خبرگان راه یابند. در آنصورت، یا وزارت کشور نظیر وزارت کشور آقای خاتمی در برابر این موضوع مقاومت خواهد کرد، و یا دستکم مردم درباره تقلب آگاه خواهند بود.

بنا بر این نتیجه هرچه باشد، ضربه محکمی به اقتدار گرایان خواهد بود.

نگارنده از این پیشنهاد آقای گنجی استقبال می‌کند. البته اشخاص دیگری نظیر آقای احمد علم‌الهدی از مشهد و آقای احمد خاتمی از کرمان نیز کاندیدا هستند که در لجاجت با مردم دست کمی از "مثلث جیم" ندارند، ولی به دلیل سابقه طولانی ضد مردمی این سه نفر حذف آنها از مجلس خبرگان، و یا وادار نمودن اقتدارگرایان به تقلب آشکار برای فرستادن آنها به مجلس خبرگان، دستاورد مدنی بزرگی برای مردم خواهد بود.

به گمان نگارنده تبلیغ برای این موضوع مستقل از موضع شخصی درباره رأی دادن و یا رأی ندادن در انتخابات پیش رو میباشد. به هر حال بخشی از مردم رأی خواهند داد، و گزارش‌ها از تهران حاکی از آن است که درصد رأی دهندگان ممکن است بالا نیز باشد. بنا بر این از طریق شبکه‌های اجتماعی، وبسایت‌ها، و وسائل دیگر ارتباط جمعی میتوان از مردم شریف و نجیب در ایران خواهش کرد که اگر تصمیم به رأی دادن دارند، به "مثلث جیم" رأی ندهند.

کلام پایانی

همانطور که گفته شد، تلاش و تبلیغ برای حذف آقایان جنّتی، یزدی و مصباح، و یا ضربه وارد کردن بر اقتدار گرایان و تندروها از طریق کاهش شدید رأی آنها، اقدامی است که میتواند بطور مشترک توسط ایرانیان داخل و خارج از کشور انجام شود. همه ایرانیان میتوانند از طریق فیسبوک‌های خود، توئیتر، وبسایت‌ها، تلگرام، ایمیل، و غیره در این اقدام شرکت کنند، بدون آنکه موضع خود درباره رأی دادن و یا رأی ندادن را رها کنند.

آقای گنجی در مقاله شان توضیح داده اند که مشارکت در انتخابات مشروعیت بخش به جمهوری اسلامی نیست. گروهی از "اپوزیسیون همسو" - همسو با قدرت‌های خارجی -- اعلام کرده‌اند که باید انتخابات را تحریم و رژیم را سرنگون کرد. راه آنان برای تحریم انتخابات و سرنگونی رژیم باز است و هیچ کس مانع آنان نیست. اگر قادرند که نظام را سرنگون کنند، ولی بدون مداخله نظامی خارجی و تجزیه و نابودی کشور، امثال نگارنده نیز از شجاعت آنان استقبال خواهند کرد. ولی از خارج از ایران شعار دادن و انتظار کشیدن برای حمله نظامی خارجی که فعالیت سیاسی برای کشور و مردم شریف ایران نیست.

اگر هموطنان فعالیت‌های سناتور برنی سندرز را دنبال کنند خواهند دید که [مواضع سیاسی ایشان درباره خاور میانه، ایران، و شمال افریقا](#) همان مواضعی است که آقای اکبر گنجی، آقای حمید دباشی، نگارنده، و امثال ما چند سال است که در مصاحبه‌ها و مقالات خود مطرح می‌کنیم. یکی از مهمترین دلایلی که جوانان آمریکائی از آقای سندرز، یک سناتور آمریکائی و یکی از نامزدهای احتمالی ریاست جمهوری آمریکا از طرف یکی از دو حزب مهم سیاسی این کشور، پشتیبانی میکنند همین سیاست خارجی واقع بینانه ایشان است، و بخشی از انقلاب سیاسی ایشان بر مبنای همین مواضع است. ولی "اپوزیسیون همسو" زمانیکه امثال نگارنده چنین مواضعی را مطرح میکردند، از طرف آنها به آمریکا-ستیزی متهم می‌شدند. آفتاب همیشه پشت ابر باقی نخواهد ماند، و زمستان تا ابد ادامه نخواهد داشت.

به گمان نگارنده فعال سیاسی خارج از کشور باید بلندگوی مردم در داخل برای افشای نقض حقوق بشر و حقوق شهروندی مردم، و پشتیبان تصمیمات آنها در داخل کشور باشد. تمامی گروه‌های اصلاح طلب، اعتدالی، ملی--مذهبی و نهضت آزادی که در داخل کشور فعالیت می‌کنند، قصد دارند در انتخابات شرکت کنند. وقتی همه گروه‌های سیاسی داخلی در انتخابات شرکت می‌کنند، از جمله زندانیان سیاسی جنبش سبز، صدای تحریم‌کنندگان خوش نشین جهان غرب را هیچ کس نخواهد شنید.

پذیرش این واقعیت فرد سیاسی را ملزم می‌کند تا با درک واقعیت اندکی از فشارهای بر مردم داخل کشور بکاهد، و انتخابات مهندسی شده آقای خامنه‌ای را علیه خودش بکار گیرد. گروه‌های سیاسی داخل کشور به دنبال همین هدف هستند و قصد دارند در تهران با شکست "مثالث جیم" شکست سنگینی به آقای خامنه‌ای بدهند. استفاده از انتخابات مهندسی شده آقای خامنه‌ای علیه آقای خامنه‌ای یک راهکار سیاسی مفید است. حذف "مثالث جیم" دارای اهمیت نمادین است و به فعالان سیاسی داخل کشور روحیه می‌دهد که می‌توان اقتدارگرایان را حتی از طریق انتخابات مهندسی شده خودشان به زیر کشید.

نگارنده از خوانندگان گرامی دعوت می‌کند که برای دریافت آخرین خبرها و تحلیل‌ها در باره ایران و بقیه خاور میانه، هم به فارسی و هم به انگلیسی، از وبسایت او، [اخبار ایران و گزارش‌های خاور میانه](#) بازدید کنند، و مصاحبه‌ها و دیگر برنامه‌های تلویزیونی او را [در اینجا تماشا](#) کنند. فیسبوک نگارنده در [اینجاست](#).